

جلسه ۱۵۰ (ی) ۸/۸/۸۹

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مسئله ۱۴ که مورد بحث ما بود از متفردات امامیه می باشد ، مسئله این بود که اگر زوج زوجه خود را اکراه بر جماع کند در حالی که و هما صائمان ، زوج هم باید کفاره خودش را و هم کفاره زوجه اش را بدهد و علت این حکم هم خبری بود که خواندیم (خبر ۱ از باب ۱۲ از ابواب مایمسک عنه الصائم) و إلا قاعده اقتضا می کند که وقتی زوج زوجه خود را اکراه کرد و زوجه مکرهاً به جماع تن در داد چونکه مکره بوده کفاره ای به گردنش نیست یعنی حدیث رفع اقتضا می کند که آن زن مواخذة و عقاب و بعلاوه کفاره نداشته باشد ، بنابراین اگر ما بودیم و قاعده و این خبر هم وجود نداشت می گفتیم چونکه زوجه مکره بوده لذا کفاره ای به گردنش نیست تا اینکه زوج به خاطر اکراه کردن او متحمل آن کفاره شود . خوب اما بحث دیگری که در اینجا وجود دارد این است که آیا در فرض مذکور روزه باطل است یا نه و آیا قضا لازم است یا نه ؟ علامه در مختلف الشیعه و تذکره فرموده : لا قضاء علیها ، در واقع علامه اکراه را مثل ایجار دانسته لذا گفته که قضا لازم نیست ولیکن شیخ در مبسوط و خلاف گفته که قضا لازم است و این بحث (وجوب القضاء و عدمه) مترتب است بر اینکه آیا او صوم را ترک کرده و صوم از او فوت شده است تا اینکه ادله دالّه بر وجوب قضای صوم شامل آن شود یا نه ؟

صاحب عروة و تمام محشین و شراح آن قائلند که قضا دارد خلافاً للعلامة فی المختلف و التذکره ، علی أي حال وجوب و عدم وجوب قضا مورد بحث می باشد . همانطور که قبلاً عرض کردیم خبر مذکور که مورد استناد فقهای ما می باشد برای ثبوت کفارتین و تعذیرین للزوج ضعیف می باشد که البته به خاطر عمل فقها به آن ضعف جبران می شود ، و به خاطر همین ضعف سند علامه در منتهی درباره این خبر فرموده : فنحن فی هذا من المترددین . ( منتهی جلد ۹ طبع جدید ص ۱۰۹ و تذکره جلد ۶ ص ۸۸ مسئله ۵۰ )

و مختلف جلد ۳ ص ۲۹۵ مسئله ۴۷) . صاحب جواهر در ص ۲۲۸ از جلد ۱۷ این فرع را مطرح کرده اند و در پایان فرموده اند که در فرض مذکور قضا لازم است . در جلد ۳ المغنی ص ۵۸ این بحث مطرح شده است و کلاً عامه قائلند که زوج دو کفاره ندارد و بعلاوه می گویند که در فرض مذکور قضا لازم است و همچنین اخیراً همه فقهای ما قائلند که قضا لازم است . مسئله ۱۴ و سه صورت از اکراه که صاحب عروة در آن مطرح کرده بود را دیروز خواندیم و همچنین حاشیه حضرت امام (ره) که در مورد فرق بین صورت دوم و سوم بود را نیز خواندیم فقط در آخر مسئله صاحب عروة می فرماید : « ولا فرق فی الزوجة بین الدائمة و المنقطعة » زیرا در خبر گفته شده : **أکره إمرأته علی الجماع** لذا فرقی ندارد که زوجه او دائمی یا موقت باشد .

(مسئله ۱۵) : **لو جامع زوجته الصائمة و هو صائم فی النوم لا يتحمل عنها الکفارة و التعزیر كما أنه لیس علیها شیء و لا يبطل صومها بذلک و کذا لا يتحمل عنها إذا أکرهها علی غیر الجماع من المفطرات حتی مقدمات الجماع وإن أوجبت إنزالها .**

اگر زوج با زوجه خود که خواب است مجامعت کند در حالی که و هما صائمان در این صورت نه کفاره ای به گردن او می باشد و نه تعزیری دارد یعنی کفاره و تعزیری از طرف زن متحمل نمی شود زیرا اصل عدم تحمل کفاره شخص دیگر می باشد و حدیث هم شامل آن جایی می شود که عمل مجامعت در بیداری صورت گرفته باشد فلذا اگر در خواب باشد به همین اصل مراجعه می کنیم و از آن طرف چونکه زن خواب بوده فلذا لیس علیها شیء و حتی روزه اش هم باطل نمی شود . همچنین اگر زنش را بر غیر جماع از دیگر مفطرات اکراه کند و یا اینکه بر مقدمات جماع اکراه کند ولو اینکه زن جنب هم شود باز کفاره ای از جانب آن زن به گردن آن مرد نیست زیرا این موارد شامل روایت نمی شوند چونکه در روایت فقط اکراه بر جماع شرط تحمل کفاره زن توسط مرد قرار داده شده بود و از آن طرف هم چیزی به گردن آن زن نیست ولو اینکه جنب هم شده است چونکه مکره بوده .

**(مسئله ۱۶) : إذا أكرهت الزوجة زوجها لا تتحمل عنه**

شیئاً . اگر زوجه زوج را اکراه بر جماع کند مثل فرض قبلی حدیث رفع اقتضا می کند که زوج نه مواخذه و نه اکراه داشته باشد چون مکروه بوده ولی قضا دارد و از آن طرف هم بر زوجه لازم نیست که متحمل کفاره زوج شود زیرا کفاره ای به گردن زوج مکروه نیامده است تا زوجه بخواهد متحمل آن شود و حدیث هم شامل این فرض نمی شود .

**(مسئله ۱۷) : لا تلحق بالزوجة الأمة إذا أكرهها على**

الجماع و هما صائمان فليس عليه إلا كفارته و تعزيره و كذا لا تلحق بها الأجنبية إذا أكرهها عليه على الأقوى و إن كان الأحوط التحمل عنها خصوصا إذا تخيل أنها زوجته فأكرهها عليه .

أمة ملحق به زوجه نیست فلذا اگر مرد أمه خود را اکراه بر جماع کند در حالی که و هما صائمان ، فليس عليه إلا كفارته و تعزيره و صاحب جواهر هم در ص ۲۲۸ از جلد ۱۷ جواهر این فرع را مطرح و در مورد آن بحث کرده است و ظاهراً صاحب عروة این فروع را از جواهر أخذ کرده است . صاحب عروة در ادامه مسئله می فرمایند که زن اجنبیه نیز ملحق به زوجه نیست فلذا اگر مردی زن اجنبیه را اکراه بر جماع کند در حالی که و هما صائمان ، فليس عليه إلا كفارته و تعزيره على الأقوى و إن كان الأحوط التحمل عنها یعنی احوط این است که مرد متحمل کفاره زن اجنبیه می شود خصوصاً إذا تخيل أنها زوجته فأكرهها عليه ، خلاصه به دلیل اینکه اولاً این صورتها شامل حدیث نیستند و ثانیاً أمة و زن اجنبیه چونکه اکراه شده اند لذا کفاره ندارند و در نتیجه مرد متحمل کفاره ای از جانب آنها نمی شود ...

و الحمد لله رب العالمين اولاً و آخراً و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين